

نزدیک نظراتشان را بشنوند.» مولوی جان محمد نارویی، امام جمعه نصرت‌آباد در گردهمایی سران طوایف استان سیستان و بلوچستان بر مزار شهید شوشتری نیز اذعان می‌کند: «برای ما افتخار بزرگی است که سالی یک‌بار برای بیعت با سردار شوشتری کنار مزار او جمع می‌شویم، او جزو شهدای وحدت است و ما با وفاداری به اسلام و نظام و امام راحل‌مان و مقام عظمای ولایت این بیعت را تحکیم خواهیم کرد.»

وحدت و خدمت، میراث ماندگان شهید شوشتری

«دشمن نه تنها در هدف شوم خود مبنی بر ایجاد تفرقه بین شیعه و اهل سنت ناکام ماند بلکه بیش‌ازپیش نزد اذهان آزاداندیش جهان بدنام شد»، این‌ها را مولوی عبدالغنی دهانی یکی از روحانیون اهل سنت منطقه به مناسبت اولین سالگرد شهید گفته است، وی ادامه می‌دهد: «تمام ادعای دشمن این بود که شیعه و اهل سنت باهم اختلاف دارند و ما در تلاش برای احقاق حق اقلیت اهل سنت هستیم اما جنایت کور تروریستی نشان داد برای دشمن شیعه و اهل سنت اهمیتی ندارد و هدف اصلی استکبار نابودی اسلام و مسلمانان است. آمیخته شدن خون فرزندان رشید شیعه و اهل سنت ایرانی در کنار هم نشان داد تمام تلاش‌های دشمن در ایجاد تفرقه نقش بر آب بوده و به حمد خداوند وحدت اسلامی و اخوت دینی پررنگ‌تر از قبل استمرار دارد.»

رمز موفقیت سردار وحدت؛ خدمت‌رسانی با محوریت خود مردم

رمز موفقیت سردار شوشتری در برقرار وحدت میان شیعه و سنی و طوایف را بایستی در نگاه صادقانه و خدمت‌گزارش دید، او مردمی بود و مردمانی ماند، وحدت هم مردمی است و با مردم محقق می‌شود، علاوه بر این شهید شوشتری

از ظرفیت نخبگان بومی به‌منظور تقویت فضای وحدت و همدلی استفاده خوبی کرد که این‌ها همه درسی برای ادامه راه اوست. روایت ابراهیم شهریاری معاون وقت قرارگاه قدس و هم‌رزم شهید شوشتری مصداق همین مسئله باشد، او در گفت‌وگویی بیان می‌کند: «یک هفته قبل از حادثه تروریستی سرباز یکی از سران طوایف بلوچ که در پاکستان مستقر بود، می‌گفت حدود ۳ هزار نفر قصد مراجعت به ایران و استفاده از رفاهی رادارند که شما برای آن‌ها مهیا کرده‌اید و این افراد با فعالیت‌های فرهنگی شهید شوشتری به انقلاب، امام راحل و رهبری وصل شدند، در همایشی در شهر سراوان گروه موزیکی برای اجرای سرود به بالای سن رفت و زمانی که قصد کنترل آن را داشتیم، مشاهده کردیم که همه اشعار آن از امام حسین(ع)، کربلا و حضرت علی (ع) است و زمانی که به سردار شوشتری موضوع را بیان کردم، ایشان بسیار خوشحال شدند.»

وی ادامه می‌دهد: «شب قبل از حادثه تروریستی پیشین برخی از بلوچ‌ها تابلوهایی با شعارهای «ای رهبر آزاده آماده‌ایم، آماده»، «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند»، در سالن همایش نصب کردند و معتقد بودند که این شعارهای ملی و مذهبی ماست و ما به حمایت رهبری زنده هستیم.

یک روز قبل از حادثه تروریستی شهید حسین مرادی و برخی دیگر از شهیدان نزد من آمدند و گفتند که یک ایست و بازرسی درست کنیم و نیروهای آن را هم داشتیم، اما شهید شوشتری

همه برنامه‌ها را به خود مردم واگذار کرده بود و هیچ دخالتی در امور آن‌ها نداشت. بالینکه می‌دانستم ایشان با بازرسی از ناحیه نیروهای سپاه موافقت نمی‌کند، به ایشان پیشنهاد دادم اما شهید شوشتری گفت که به‌هیچ‌وجه این کار را نکنید، زیرا همت بلوچ‌ها بالاتر از این است و ناراحت می‌شوند.»

دشمنان بدانند که این ددمنشی‌ها نخواهد توانست عزم راسخ ملت و مسئولان را در پیمودن راه عزت و افتخار که همان راه اسلام و مبارزه با جنود شیطان است، سست کند و به وحدت و همدلی مذاهب و اقوام ایرانی خدشه وارد سازد.

دشمن این را خوب فهمیده و مردم ما هم امتحان خود را خوب پس داده‌اند، مقام معظم رهبری نیز در بخشی از پیام تسلیت به مناسبت شهادت برادران شیعه و سنی در «منطقه پیشین» سیستان و بلوچستان قاطعانه می‌گویند: «مزدوران حقیر و پلید استکبار نیز یقین داشته باشند که دست قدرتمند نظام اسلامی در دفاع از امنیت آن منطقه

مظلوم و آن مردم وفادار، لحظه‌ای کوتاهی نخواهد کرد و متجاوزان به جان و مال و امنیت مردم را به سزای اعمال خیانتکارانه خواهد رسانید.»

دیری نباید که این وعده رهبر انقلاب محقق شد و عبدالملک ریگی که دستانش به خون بسیاری از اهل سنت و شیعیان آلوده بود و به‌طور مستقیم در شهادت شهید شوشتری دخالت داشت، در اسفند ۸۸ دستگیر شد. ریگی تنها قاتل چند صد نفر از شیعیان و اهل سنت نبود،

تمام ادعای دشمن این بود که شیعه و اهل سنت باهم اختلاف دارند و ما برای احقاق حق اقلیت اهل سنت هستیم اما جنایت کور تروریستی نشان داد هدف اصلی استکبار نابودی اسلام و مسلمانان است اما آمیخته شدن خون فرزندان رشید شیعه و اهل سنت ایرانی در کنار هم نشان داد تمام تلاش‌های دشمن در ایجاد تفرقه نقش بر آب بوده



بلکه مزدور تفرقه‌افکنانی بود که برای بدنامی اهل سنت جنایت می‌کرد، نوری فرماندار سابق زاهدان و از بازماندگان حادثه تاسوکی برای همین می‌گوید: «وقتی عبدالملک دستگیر شد، شادی مردم اهل سنت کمتر از شیعیان نبود، زیرا وحدت را عمیقاً باور داشتند.»

وی به حادثه تروریستی روز تاسوعای حسینی اشاره و عنوان می‌کند: «در روز عاشورا که شهدای جنایت مسجد امام علی(ع) را تشییع می‌کردند، عده‌ای از بلوچ‌های اهل سنت را دیدم که با همان لباس آمده بودند. به آن‌ها گفتم از خشم مردم احتیاط کنید و به خانه برگردید اما آن‌ها گفتند آمده‌ایم که ناسزای مردم را بشنویم و بگوییم شهدای شما شهدای ما هم هستند.»

مرور مئی و روش سردار شهید شوشتری در همان مدت کوتاه خدمت در سیستان و بلوچستان گواهی می‌دهد که این شهید بزرگوار به‌حق وحدت را نه در حرف بلکه با عملش اثبات کرد و بایستی از ابتکار نام‌گذاری وی و همراهانش به‌عنوان شهدا وحدت استفاده مناسب کرد، چه در معرفی نمونه‌ای محقق شده از وحدت و چه در پیگیری مدل و شیوه آن؛ بدون شک خدمت‌رسانی به مردم و آبادانی یک مرزوبوم، کمترین هدف مشترکی است که شیعه و سنی می‌توانند برای وحدت داشته باشند و دستاوردهای بزرگ‌تری در اتحاد نیز وجود دارد.

باید ذهنیت‌های منفی اهل سنت را تصحیح کرد

یک بار رفتیم اردوی جهادی در مناطق اهل سنت. نیکشهر، جنوب بلوچستان. راستش خیلی استرس داشتیم. چون مردم آنجا همه سنی بودند و ما همه شیعه. یک روز از جماعت التبلیغ اهل سنت هم عده‌ای آمده بودند، نمی‌دانستیم چطور با ما برخورد خواهند کرد؟ یازده نفر بودند که یک نفرشان دوم راهنمایی بود! یعنی با این سن کم تبلیغ آمده بود. امیرگروه روز اول خیلی ما را تحویل نگرفت، روز دوم یا سوم بود که به محل اسکانمان آمد. شروع کرد منبر وحدتی رفتن که بیایید باهم کارکنیم و می‌گفت انشاءالله باهم به قدس برویم و کار تبلیغی انجام بدهیم. دلیل این‌که روز اول تحویل‌مان نگرفت ولی بعد حسایی با ما رفیق شد، این بود که اول نمی‌دانست، ما چطور آدم‌هایی هستیم. فکر می‌کرد مثل بعضی از دیگران آمده‌ایم برای شیعه سازی و کارهای فرقه‌ای؛ اما وقتی دید که این‌طوری نیست با ما رفیق شد. ما باید سعی کنیم این ذهنیت‌های منفی که شیعه و سنی از همدیگر دارند را درست کنیم .

این با حرف زدن نمی‌شود. باید عمل وحدتی انجام داد.

(سعید حسینی)

وحدت، مسئله صدم ما هم نیست!

یک‌بار دیگر برای شرکت در همایشی به ترکیه رفته بودیم، سر سفره نشسته بودیم و با دبیر یک تشکل سودانی صحبت می‌کردم. می‌گفت من هر جا می‌روم از ایران تعریف می‌کنم، چون فقط ایران جلوی آمریکا ایستاده و بقیه چرت‌وپرت می‌گویند!

می‌گفت فقط یک مشکل دارید، هنوز مسئله وحدت برای شما مسئله اول است، یعنی هنوز نتوانستید این مسئله را حل کنید. می‌گفت با این همه فعالیت ضد اسلام و ضد قرآن و این همه دشمن مشترک، اصلاً جا برای این هست که سر مثلاً جانیشینی پیامبر باهم دعوا کنیم؟! دعوا بر سر یک اتفاق تاریخی چه فایده‌ای دارد؟ غیرازاینکه تخاصم را زیاد کند، چیزی ندارد.

می‌گفت تا این مناظره‌ها و دعوها را کنار نگذاریم، جهان اسلام را به‌جایی نخواهد رسید.

به خودش چیزی نگفتم ولی با خودم گفتم که کجای کاری؟! کاش وحدت در مملکت ما مسئله اول بود. مسئله صدم هم نیست! (سعید حسینی)

اهل سنتی که از امام رضا (ع) شفا گرفت

سال اول دانشگاه با یک دوست سنی ترکمن آشنا شدم، به دلیل زیست کردن در فضای تبلیغات مسموم تفرقه‌گرایانه، خیلی خوشبین به او نبودم.

یک روز سر صحبت با فضای صمیمی‌تری را با او گشودم، شروع کرد از خاطرات خودش گفتن، می‌گفت: «من هرسال چهار بار به زیارت امام رضا (ع) می‌روم، وقتی خردسال بودم به بیماری لاعلاجی مبتلا شدم، پدرم نذر کرد و من را به زیارت امام رضا (ع) برد تا اینکه شفا پیدا کردم، من زندگی خودم را مدیون کرامت امام رضا (ع) میدانم.»

برای مدتی کاملاً گیج بودم که چه طور یک اهل سنت این مقدار ارادت به امام رضا (ع) دارد و از ایشان برای پیماری‌اش شفا گرفته است. درحالی‌که اصلاً فکر نمی‌کردم که امام رضا (ع) بیماران اهل سنت را هم شفا بدهد! یک‌بار دیگر در سفر به گنبدکاووس به مدرسه‌ای از مدارس اهل سنت رفتیم و با آخوندی جوان هم‌صحبت شدیم. می‌گفت «من خودم هم در کودکی‌هایم فکر می‌کردم خلفا برای ما هستند و امامان برای شما. ولی بعدها فهمیدم چه فکر خطایی داشتم والان هم به امام رضا (ع) اعتقاددارم و به زیارت ایشان می‌روم.» (احمد رضا پاهنگ)

مگر برای دوست داشتن خمینی باید شیعه باشیم؟!

در اندونزی و حاشیه جاکارتا که منطقه‌ای محروم بود با مردم عادی صحبت می‌کردیم و از اوضاع آنجا سرکشی می‌کردیم تا اینکه خانواده‌ای را دیدیم که عکس امام خمینی را روی دیوار خانه‌شان زده بودند.

پرسیدیم شیعه هستید؟ گفتند نه مگر هرکس که خمینی را دوست دارد باید شیعه باشد؟!

می‌گفت: خمینی به ما یاد داد که انقلابی‌های عالم را دوست داشته باشید و ما هم آنان را دوست داریم، من زمان انقلاب ایران به سفارت ایران می‌رفتم و خبرهای انقلاب را با شور و شغف دنبال می‌کردم.

در یک همایش در ترکیه یک استاد پیر سنی الجزایری مقیم انگلستان هم حضور داشت. گنده‌ای بود که در آن یک نفر گفت خطر ایران از اسرائیل بیشتر است! چون ایرانی‌ها شیعه‌اند و اهل وحدت با اهل سنت نیستند. این استاد در خود گنده حرفی نزد. بعد وقت گرفت و آمد روی تریبون اصلی و گفت: «اگر خمینی نبود، کدام یک از شما الان جرات می‌کردید از سنی‌های فلسطین حمایت کنید؟! من همراه ابوالعلاء مودودی و خیلی دیگر از انقلابی‌های جهان اسلام بوده‌ام ولی هیچ کس مانند خمینی دغدغه فلسطینی‌های سنی را نداشت.»

(سعید حسینی)